

امام خمینی (ره)

در محضر امام خمینی (ره)

تقوای سیاسی امام نسبت به مخالفین

ما یک شب در خدمت امام بودیم، من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست-نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه می‌شناسند- امام یک تأملی کردند، گفتند: نمی‌شناسم، بعد هم یک جمله مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند، این تمام شد.

من فرماد ای را پس‌فردا- درست‌ یادم نیست- صبح با امام کاری داشتیم، رفتم خدمت ایشان، به مجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از اینکه من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید، «همین، نمی‌شناسم». یعنی آن جمله مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی‌شناسم» گفته بودند، پاک کردند.

ببینید، این خیلی مهم است. آن جمله مذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم به کلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا یک‌حافظگی می بود؛ یعنی دانم چه بود، اما این قدر یادم هست که این جمله مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمی‌شناسم. ببینید، اینها اسوه است.

*** بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی(ره) – ۱۳۸۹/۳/۱۴**
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

خطبه‌های امام خمینی(ره)

اذیت و آزار دیگران به‌ویژه زنان و کودکان در جامعه و به خصوص در کوی و برزن از پدیده‌های ناهنجار اجتماعی است که باید علل و عوامل و آثار آن شناخته و راهکارهای برون‌رفت و یا درمان و پیشگیری آن فراهم آید. نویسنده در این مطلب دیدگاه قرآن را در باره این موضوع واکاوی کرده است.

مزاحمت‌های اجتماعی و احکام آن

مزاحمت به معنای دشواری و مشقت است و در اصطلاح «انجام حرکات و افعال غیر متعارفی است که باعث به وجود آمدن مشقت برای دیگران می‌شود.» مزاحمت در قانون مجازات اسلامی به ۲ دسته مزاحمت برآی اشخاص و مزاحمت ملکی تقسیم می‌شود. مزاحمت برای اشخاص از طریق الفاظ و حرکات مخالف حیثیت و عرف جامعه ایجاد می‌شود و یا در شکل ایجاد مزاحمت تلفنی بروز می‌کند. همچنین مزاحمت به وسیله قدرت‌نمایی و تهدید دیگران با چاقو و سایر سلاح‌های دیگر نیز در زمره مزاحمت برای اشخاص محسوب می‌شود. نوع دیگری از مزاحمت‌ها همان مزاحمت ملکی است. در این حالت فرد مزاحم، بدون داشتن حق مالکیت، ملک دیگری را تصرف می‌کند یا مانع استفاده مالک از ملک یا حق خود می‌شود.

در قانون تعاریف گوناگونی از مزاحمت برای اشخاص و مجازات آن وجود دارد، با این همه طبق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی هر کس در اماکن عمومی و یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند به حبس از ۲ تا ۶ ماه و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. درخصوص مزاحمت تلفنی ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی این چنین بیان می‌کند: هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت کند، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، به حبس از یک تا ۶ ماه محکوم خواهد شد. ایجاد مزاحمت به وسیله چاقو و سلاح‌های دیگر جرم محسوب می‌شود و ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی آن را این گونه تعریف می‌کند: هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص، اخاذی و تهدید قرار دهد، یا با کسی گلاویز شود، در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

عموما وقتی سخن از مزاحمت اجتماعی می‌مان می‌آید، مصداق روشن آن مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان و دختران به ذهن متبادر می‌شود که در این مطلب نیز محور عمده بحث در این‌باره است. همچنین، زورگیری، مال‌ربایی و مانند آن هم مصداقی از مزاحمت اجتماعی بشمار می‌رود.

مزاحمت، مصداقی از اذیت و آزار دیگران

در آیات قرآن موضوع مزاحمت در قالب اذیت و آزارسانی به دیگران مورد توجه قرار گرفته است. اذیت، معادل عربی «زردن» و «رنجه شدن» و به معنای ضرر دنیایی یا اخروی است که به جسم یا روح می‌رسد.مفردات الفاظ قرآن کریم، راغب اصفهانی، ذیل واژه ادیگر در قرآن غیر از واژه «اذی»، واژگانی دیگر چون «آف»، «لانتهر»، «سوء»، «کف آیدی» برای بیان همین مفهوم اذیت و آزار به کار رفته است.

از نظر قرآن هر گونه اذیت دیگران، حرام و گناه است. خداوند در آیه ۵۸ سوره احزاب می‌فرماید: **وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ**

از آنجا که بیماری بسیاری از افراد به سادگی قابل درمان نیست زنان می‌توانند با دژ مستحکم حجاب به مقابله با این بیمار دلان بروند زیرا این بیمار دلان انسان‌هایی ترسو هستند و مسئله ناشناختگی حرمی است که آنان را از ایجاد مزاحمت دور نگه می‌دارد.

براساس گزارش‌های تاریخی مزاحمت نسبت به زنان همواره وجود داشته است؛ از همین روست که آیات قرآنی به مسئله مزاحمت برای زنان توجه داده است. در برخی روایات نیز آمده است که در مدینه از سوی برخی از مردان تعرضاتی نسبت به زنان و دختران وجود داشته است که از منابع می‌توان به این حکایت اشاره کرد. در منابع روایی و تاریخی آمده است که مردی به نام «خالد» زن جوانی را در کوچه‌های مدینه دید و از سر هوس و شهوت، به زور او را گرفت

مزاحمت‌های اجتماعی از منظر قرآن

حبیب موسی‌وند

و بوسید. زن، ناراحت و خشمگین خدمت پیامبر رسید و به خاطر این ماجرا، از خالد شکایت کرد.

رسول خدا (ص) کسی را به دنبال خالد فرستاد. وقتی آمد، پیامبر حقیقت را از وی جویا شد. خالد به گناه خود اعتراف کرد و سپس گفت: «اگر زن می‌خواهد قصاص کند حرفی نیست، بیاید قصاص کند (و او هم مرا بوسد).»

از حرف خنده‌دار خالد، پیامبر و یارانش به خنده افتادند. نگاه حضرت رو به خالد کرد و فرمود: «آیا دیگر این کار را نمی‌کنی؟» خالد عرض کرد: «نه، به خدا قسم دیگر این کار را نمی‌کنم ای رسول خدا» و به این تعهد، پیامبر خالد را بخشید.(بخند ستاره‌ها، نوشته گل‌امرسا حدیدری اهری؛ بحارالانوار، ج ۱۶،



صص ۲۹۵-۲۹۶، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق).

علل و عوامل مزاحمت و آزارسانی به زنان
علل و عوامل متعددی برای این ناهنجاری اجتماعی قابل ذکر است. در آیات قرآنی مهم‌ترین علل و عواملی که برای مزاحمت‌ها و آزارسانی به زنان و دختران بیان شده است، عبارتند از:

۱- بیماری‌دلی: نخستین و اصلی‌ترین عامل در تعرضات و مزاحمت‌های مردان نسبت به زنان بیمار دلی مردان است. خداوند در آیه ۵۹ و ۶۰ سوره احزاب می‌فرماید: ای پیامبر، به زنان و دخترانات و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به احتیاط نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است. اگر منافق و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، از کارشان باز نایستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو نیایند.

۲- بی‌حجابی یا بدحجابی: از دیگر عواملی که عامل مزاحمت‌ها نسبت به زنان است، بی‌حجابی و یا بدحجابی است که مردان هرزه و بیماردل را به سوی زنان می‌کشاند. پس این خود زنان هستند که به عنوان عاملی برای جذب مزاحمان به سوی خود عمل می‌کنند. از قدیم گفته‌اند: درختی که کرم نداشته باشد، در این آیه هر گونه اذیت و آزار رسانگی به دار کوبی بر آن نمی‌نشیند و نوک نمی‌زند. در حقیقت بی‌حجابی و بدحجابی زنان، عاملی مهم در گرایش و جلب و جذب مزاحمان به سوی آنان است. این مطلب در همین آیات پیشین به خوبی آشکار است.

۳- شسناختگی و معروف شدن و خودنمایی: در آیات فوق به یک نکته مهم دیگر نیز اشاره شده و آن اینکه شناخته شدن عاملی برای جلب و جذب مزاحمان است. زنانی که دارای حجاب و پوشش هستند، نه تنها زیبایی‌های آنان چون گوهری در صف نهان است، بلکه شخص قابل شناسایی نیست. همین شناخته شدن، سبب استواری برای زنان است. زن ناشناخته به دژ محکم حجاب، در امنیت

و نگاه به نامرحم گذرگاه ورود به متجلاب انحرافات و فساد جنسی است. نگاه‌های آلوده، تخم شهوت را در دل بارور ساخته، صاحبش را به فتنه و انحراف مبتلا می‌کند. حضرت امام صادق(ع) فرمود: «**الْفِتْنَةُ بَعْدَ الْفِتْنَةِ تَرْجُ فِی الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً؛** چشم چرانی، تخم شهوت را در دل می‌کارد و چنین کاری برای نگاه‌کننده کافی است که منشأ فتنه شود». (روضة المتقین، ج ۹، ص ۹۹ (۲۴۴) نگاه کردن به ناموس دیگران، خواست شیطان است. چشمی که تیره‌های آلوده نگاه را به نامحرمان پرتاب می‌کند، محل کمین شیطان است. شیطان از کمان چشم‌های او ناموس دیگران را نشانه می‌گیرد. پیامبر خدا(ص) فرمود: «**الْفِتْنَةُ نَسِيمٌ مُّسْمُومٌ مِنْ سِیَاحِمْ اِیْلَیْنِ؛** نگاه (به نامحرم) تیز زهرآلودی از تیره‌های شیطانی است.» (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۱) امیرمؤمنان(ع) فرمود: **الْعَیُونُ مُصَادِقُ الشَّیْطَانِ؛** چشم‌ها، کیمتگاه‌های شیطان است. پس باید مراقب چشمان خویش باشیم، تا شیطان از آن برای تخریب ایمان ما و ناموس مردم استفاده نکند. (همان، ص ۴۰)

۵. شیرین سخنی: طنازی و ناز و عشوهِ کردن موجب می‌شود تا مزاحمان به سوی زنان کشیده شوند. لذا زنان به شیرین سخنی اجتناب کنند. خداوند در آیه ۳۲ سوره احزاب می‌فرماید: ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستید، اگر سَرِ پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن کس که شایسته گوید.

راهکارهای درمان

قرآن و روایات درباره راه پرسش که چگونه می‌توان از گسترش و وقوع مزاحمت‌ها جلوگیری کرد، راهکارهای درمان و پیشگیری و مبارزه چیست، به علل و عوامل ایجادِی آن اشاره و توجه می‌دهد. در حقیقت اگر علل و عامل ران شناخته شود می‌توان از همان راه پاسخ شایسته و مناسبی به این پرسش‌ها داد. اگر علل و عوامل مهم و اساسی بیشترین مزاحمت‌ها امور پیش گفته است، باید کاری کرد که این عوامل از میان برود یا کاهش یابد. بر همین اساس باید گفت پوشش و حرکات مناسب خانم‌ها برای جلوگیری از ایجاد مزاحمت برای آنان در معابر و خودداری از رفت و آمد در محیط‌های خلوت و ناامن راهی برای کاهش این گونه مزاحمت‌هاست.

البته از آنجا که بیماری دلی بسیاری از افراد به سادگی قابل درمان نیست، زنان می‌توانند با دژ مستحکم حجاب به مقابله با این بیماردلان بروند؛ زیرا این بیماردلان انسان‌هایی ترسو هستند و مسئله ناشناختگی،حرمی است که آنان را از ایجاد مزاحمت دور نگه می‌دارد. درباره مردم عادی نیز باید گفت که چشم فروهشتن و تاکید بر این امر می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده عمل کند. پرهیز از عشوهِگری و طنازی‌های رفتاری و کلامی و ترک خودنمایی نیز بسیار راهگشا و موثر است.

ذکر این نکته نیز لازم است که در برابر پدیده‌های ناهنجار اجتماعی تنها کارهای فرهنگی صرف، نمی‌تواند بازدارنده و سازنده باشد؛ بلکه باید در کنار فرهنگ سازی به مجازات‌های بازدارنده نیز توجه داشت. همان طوری که برای فرهنگ سازی درباره اعمال مقررات راهنمایی و رانندگی مانند بستن کمربند و پشت خط عبای پیاده و یا چراغ قرمز ماندن، فرهنگ سازی تنها بازدارنده نیست بلکه باید اعمال قانون و مجازات و کیفر هم در کنار آن صورت گیرد، در مسئله برخورد با پدیده ناهنجار مزاحمت‌های اجتماعی نیز باید قوانین و کیفرهای قانونی وضع و اعمال

نخستین و اصلی‌ترین عامل در تعرضات و مزاحمت‌های مردان نسبت به زنان بیمار دلی مردان است. خداوند در آیات ۵۹ و ۶۰ سوره احزاب می‌فرماید: ای پیامبر، مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به احتیاط نزدیک‌تر است، و خدا آمرزنده مهربان است.

درباره داستان نزول آیه این گونه حکایت شده که جوانی از مسلمانان انصار مدینه، با زنی ره رو به شد. می‌گویند زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبیعی است که صورت، گردن و مقداری از سینه آنان نمایان می‌شد. آن جوان در حال راه رفتن به آن زن چشم دوخت تا اینکه صورتش به دیوار خورد و در اثر چیز تیزی که در دیوار بود، صورتش شکافت و خون بر لباس و سینه اش ریخت.او ناراحت شد و به همان صورت خدمت پیامبر (ص) رسید و ماجرا را نقل کرد.

در این هنگام فرشته وحی فرود آمد و آیه فوق را نازل کرده و به مردان مومن دستور داد که از چشم چرانی دوری کنند و سپس در آیه ۳۱ به زنان دستور حجاب داد.(تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰)

پس باید گفت که برای حفظ جامعه از مزاحم و مزاحمان باید به هر دو طرف توجه داشت؛ به مردان گفته شود که چشم فروهشتن دارند و حجاب چشم داشته و از چشم‌چرانی بلکه حتی نگاه اجتناب کنند و زنان گفته شود حجاب را مراعات کنند و به خودنمایی نداشته باشند.

عواقب پوشش‌گری

از نظر آموزه‌های اسلامی، «چشم چرانی»

چراغ راه

اطاعت از هادیان معنوی، یک ضرورت

قال الامام علی(ع): «هن امرک باصلاح نفسک، فهو احق من تطیعه».

امام علی(ع) می‌فرماید: کسی که تو را امر به اصلاح نفس بکند، سزاوارترین افراد است که حرف او را بپذیری و از او تبعیت کنی.^(۱)

۱- غررالحکم، ص ۶۲۳

حکایت خوبان

نافرمانی از نصیحت‌های حکیمانه موجب پشیمانی است

امام علی(ع) پس از ماجرای حکمت و نیرنگ عمروعاص می‌فرماید: بدانید که نافرمانی از دست‌ور نصیحت‌کننده مهربان دانا و باتجربه، مایه حسرت و سرگردانی و سرانجامش پشیمانی است. من رأی و فرمان خود را نسبت به حکمت به شما گفتم، و نظر خالص خود را در اختیار شما گذاردم، ولی شما همانند مخالفانی ستکارم، و پیمان‌شکنانی نافرمان از پذیرش آن سر باز زدید، تا آنجا که نصیحت‌کننده در پند دادن به تردید افتاد، و از نصیحت خودداری کرد.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۳۵

پرسش و پاسخ

ضرورت نصیحت دیگران(۱)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، چرا یک فرد مسلمان در ارتباطات و تعاملات خود با دیگران، باید آنها را نصیحت کند؟ پاسخ:

جایگاه و اهمیت نصیحت مسلمان

در باب نصیحت مسلمانین روایات متعددی آمده است. در کتاب وسائل‌الشیعه جلد ۱۶، صفحه ۳۳۰ در ابواب فعل معروف، روایاتی را تحت عنوان «وجوب نصیحت مسلمانین» جمع کرده است، و اصلا این کار را واجب می‌داند، چرا که عناوین ابواب کتاب وسائل‌الشیعه، فتاوی مرحوم شیخ حر عاملی است.
درباب دیگری وجوب نصیحت مومن را بیان می‌کند.
درباب دیگری باز هم روایاتی را تحت عنوان حرمت ترک نصیحت مومن آورده است. یعنی حرام است اگر بتوانی کسی را بسازی و این کار را نکنی و حرام است اگر بتوانی دست کسی را بگیري ولی رهايش کنی. تا آنجا که توان دارید باید دستگیری کنید.

نصیحت در امور مادی و معنوی

بعضی گفته‌اند: این روایات حمل بر امور مادی و دنیوی می‌شود، یعنی در امور دنیایی دیگران را راهنمایی کنیم. در حالی که روایات عمومیت دارد و همه ابعاد مادی و معنوی را در بر سر می‌گیرد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «ثانوالعینین» من صاحب دو چشم هستم (هم دنیا را می‌بینم و هم آخرت را) بحرالانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۹.

امام علی(ع) می‌فرماید: «طوبی لمن اطاع ناصحا بهدیه، و تجنب غاویا بربیة» خوشا به حال آن کسی که اطاعت کند از کسی که برایش دلسوزی و نصیحت می‌کند، و می‌خواهد او را پند دهد و هدایت کند، و از کسی که مکر و فریب به کار می‌برد و می‌خواهد او را پرسشش کند، گریزان باشد. (غررالحکم، ص ۴۲۹)
امام باقر(ع) در روایتی صریح می‌فرماید: «تابع من بیکیک و هولک ناصح» از آن کسی تبعیت کن که دلت را می‌سوزاند و تو را نصیحت می‌کند. (الکافی، ج ۲، ص ۶۳۸) بنابراین بالاترین خیرخواهی و دلسوزی همین است که نسبت به دیگران گونه که وظیفه دارد خودش را تطهیر و پیرایش و دفع ندهد، نسبت به دیگران هم این گونه باشد، همان طور که قرآن کریم می‌فرماید: خودتان و اهل خانواده‌تان را از آتش جهنم حفظ کنید (تحریم - ۶) یعنی همان گونه که خودت نمی‌خواهی به جهنم بروی، نگذار دیگران هم به جهنم بروند. ما در اسلام بی‌تفاوتی در ابعاد معنوی نداریم.

رسالت‌انبیا

یک مأموریت انبیا، رسالت پروردگار و ابلاغ کلام وحیانی به مردم است، و مأموریت دیگر آنان دلسوزی برای مخاطبان است. به بیان دیگر همان طور که از خودت «دفع ضرر» می‌کنی، باید از دیگری هم «دفع ضرر» بکنی، و همان طور که برای خودت «جلب منفعت» می‌کنی، باید برای دیگری هم «جلب منفعت» بکنی. تطهیر نفس، دفع ضرر و ترفیع آن، جلب منفعت است. بنابراین یک وظیفه انبیا ارائه طریق یعنی همان «سالت رب»، وظیفه دیگر انبیا «ایصال الی المطلوب» است ارائه طریق همان هدایت عامه و ایساط تکلیف است. اما «ایصال الی المطلوب» برای دیگران یک نوع دلسوزی است یعنی دست مخاطب را می‌گیری و او را با خود به مقصد می‌رسانی. امام باقر(ع) می‌فرماید: یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحه له» بر مومن واجب است که نسبت به دیگران نقش دلسوزی و سازندگی داشته باشد (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸) همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: اینکه کسی با برادر مؤمنش راه برود، و او را پند و اندرز ندهد و برای او دلسوزی نکند، چنین شخصی به خدا و پیغمبر او خیانت کرده است. (همان، ص ۳۳۳)
لذا بالاترین درجه دلسوزی و نصیحت، خیرخواهی در بعد معنوی و دینی است، نه اینکه انسان نسبت به امور مادی، خیرخواهی و نصیحت نکند، در امور مادی هم مومن باید خیرخواه و هدایتگر باشد، اما این را بدانید که امور مادی زودگذر است و آن چیزی که شاکله انسان را می‌سازد و برای ابدیت او ماندگار و باقی است این است که برای او در بعد معنوی و روحی‌اش دلسوزی کند و او را بسازد. البته چگونگی این دلسوزی و خیرخواهی خیلی مهم است و باید یک کلام کلی بنیاید هیچ فرقی بین نفس خودمان و نفوس دیگران قائل شویم. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: انسان همان طور که برای خودش خیرخواه است، باید برای برادر مؤمنش همان‌گونه خیرخواه باشد. (همان، ص ۲۰۸)

سلوک عارفانه

خودسازی و دگرسازی

از آیه شریفه: «فَوَالْفَسْکِمْ وَ اهلِیکَمْ نارا» خود و اهل خانواده خود را از آتش جهنم حفظ کنید!(تحریم-۶) معلوم می‌شود، تنها رابطه با نفس خود مطرح نیست، بلکه رابطه با نفس دیگران هم مطرح است. انبیایه و اولیای هم به همین روش عمل می‌کردند، یعنی هم در ربط با نفس خود کار می‌کردند، و هم در ربط با نفوس دیگران. این دو موضوع تطهیر و ترفیع هم نسبت به دیگران بود و هم نسبت به نفس خودشان.^(۱)

۱- ادب الهی، آیت‌الله شیخ محبتی تهرانی(ره)، کتاب دوم، ص ۴

صفحه معارف و روز‌های: شنبه ،یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۰۲۱۹۶۱۹۹۱ – ۰۲۱۲۲۲۱۰۳۵۲

Maarefkayhan@Kayhan.ir

© 2012 - All Rights Reserved. Powered By www.myspace.com/maarefkayhan